

در این متن، ما به چیزهایی در جهان خود عادت داریم که از زندگی به مرگ می‌روند. این راه عادی چیزهایی مانند گیاهان، حیوانات خانگی و ماست. اما ما همچنین می‌بینیم که چیزها به سمت دیگری می‌روند - از مرگ به زندگی. بهار زمانی است که طبیعت دوباره به زندگی می‌آید پس از زمستان. مرکز مسیحیت در مورد زندگی / قیام از مرگ / صلیب است. مراسم مسیحیت تمهید نماد مرگ به زندگی است. و کتاب مقدس می‌گوید که هر مسیحی فرآیند معجزه‌آسا مرگ به زندگی را تجربه کرده است. اینجا یک آیه مشهور از کتاب مقدس در مورد این موضوع است: "اگر کسی در مسیح باشد، او خلقت جدید است. قدیمی‌ها گذشته‌اند؛ جدید آمده است." [۲ کورنتوس ۵: ۱۷] بیایید کمی فکر کنیم و با یکدیگر در مورد این موضوع صحبت کنیم. چگونه شما فرآیند مرگ به زندگی را در راه خود با خدا تجربه کرده‌اید؟ یا چگونه آن را در کسی دیگر دیده‌اید؟ متن افسسیان ۱ در مورد برنامه‌های خداوند برای جهان و چگونگی برکت‌های معنوی راجع به هر مسیحی است. این چیزهای معجزه‌آسا هستند که ما به اشتراک می‌گذاریم و ما را در خانواده خداوند به هم متصل می‌کنند. ما نمی‌توانیم جلوی پاسخ به این برکت‌ها را بگیریم و نمی‌توانیم جلوی تعجب، تعظیم و دعا را بگیریم، که بخش دوم از افسسیان ۱ است. در افسسیان ۲: ۱-۱۰ به یکی دیگر از برکت‌های معجزه‌آسا که هر مسیحی تجربه کرده است، یعنی مرگ به زندگی، می‌رسیم.

قبل از اتفاق افتادن آیه ۱:۱۳، شما/ما همگی چه بودیم؟ "در او نیز شما، هنگامی که: **شما مرده بودید [آیه‌های ۱-۳]** کلمه حقیقت، انجیل نجات شما را شنیدید و به او ایمان آوردید، با روح القدس و عده‌شده مختوم شدید." پس قبل از آیه ۱:۱۳، ما چه بودیم؟ آیه ۲:۱ این موضوع را با سه کلمه ساده می‌گوید: "شما مرده بودید." همه‌ی ما روحانیاً مرده بودیم. این یک موضوع قوی است. جایی برای بحث وجود ندارد. در اینجا درجات، سطوح یا دسته‌بندی‌های مرگ... وجود ندارد

- ما می‌توانیم خوب، بهتر یا بهترین باشیم. می‌توانیم بد، بدتر یا بدترین باشیم. اما نمی‌توانیم بگوییم: "من مرده‌ام، او مرده‌تر است و او مرده‌ترین است." (به عنوان مثال، تونی بنت، صفحه ۱۹۵) "شما مرده بودید!" آیه‌های ۲-۳ تجربه‌ی مرگ روحانی را توصیف می‌کنند. "شما در تجاوزها و گناهانی که در آنها قدم می‌زدید، مرده بودید. شما دنبال مسیر این دنیا بودید، دنیایی که مخالف خدا است. مرگ در گناه‌های ما به این معناست که ما... دنبال، باور و اطاعت از دنیا بودیم، نه از پروردگار. دنیا ما را به خودخواهی، طمع و دروغ می‌کشاند.
- آیه‌ی ۲: "دنبال شاهزاده قدرت هوا بودید." این به معنای شیطان یا ابلیس است. کتاب مقدس می‌گوید او (۲) وجود دارد و دشمن مخرب خدا است. قدرت‌آفرینی قوی‌ترین ابزار او دروغ و نادرستی است. او از آن‌ها برای تجربه‌ی ما از عشق، ایمان و اطاعت از خدا دور می‌کند. مرگ در گناه‌های ما به این معناست که ما به دروغ‌های ابلیس درباره خدا و راه‌های نیکوی خدا ایمان می‌آوریم. اخلاق نابودکننده و ناعدالتی‌هایی که انسانیت ما را نابود می‌کنند، نه تنها مشکلات اجتماعی هستند بلکه مشکلات وابسته به کاینات و روحانی هستند نتیجه‌ی دروغ‌های شیطان که ما باور می‌کنیم.

ما همگی یک زمان در شهوت‌های جسمی زندگی می‌کردیم و خواسته‌های بدن و ذهن را انجام می‌دادیم." آیه ۳: "ایه ۳ به ۳ دنیا و شیطان تأثیرات قوی و مرگ‌آوری بر ما دارند، اما آیه ۳ به ما می‌گوید که دنیا و شیطان ما را به انجام آنچه که در دل‌هایمان می‌خواهیم، تشویق می‌کنند! مرگ روحانی به این معناست که ما به خواسته‌های بدی خود ایمان می‌آوریم و اطاعت می‌کنیم. و این در تجربه‌ی ما نیز صحیح است. ما نیازی به آموختن نداشتیم که خودمان را در اولویت قرار دهیم یا دروغ بگوییم. این‌ها به طور کاملاً طبیعی در ما وجود داشتند! ما باید آموخته شویم که به اشتراک گذاشتن و صادقانه حرف بزنیم

چیزی که چهارمین نکته نابودکننده در مرگ روحانی است، در آیه ۳ آمده است: "ما به طبیعت فرزندان غضب (4) بودیم." این به این معناست که خدا با ما عصبانی شده است. بسیار عصبانی. این فکری ترسناک است، اما کاملاً قابل درک است. اگر خدای کتاب مقدس گناه را جدی بگیرد، البته به آن واکنش نشان خواهد داد. در قداست اخلاقی کامل خود، او به طور بسیار منفی واکنش خواهد نشان داد.

این اخبار وحشتناک است. این یک حقیقت بسیار ناراحت‌کننده است. شما مرده بودید. این هویت ما قبل از آیه ۱:۱۳ است. پس هویت ما پس از آیه ۱:۱۳ چیست؟

ما فرزندان مرده روحانی خشم خدا بودیم، اما نگاهی به آیه‌های ۴-۶ بیاندازید: **شما زنده هستید [آیه‌های ۴-۶]** "اما خدا، به دلیل فیض فراوانی که او دارد (لحظه‌ای برای درک این موضوع!)، به علت عشق بزرگی که ما را

دوست داشت (لحظه‌ای برای درک این موضوع نیز!)، حتی وقتی که ما در تجاوزهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - به فیض نجات یافته‌اید.

پس زنده باشید [آیه‌های ۱۰-۷]: چه چیزی ما را تغییر داد؟ آیه ۴ می‌گوید که این به دلیل «فیض فراوان» و «عشق بزرگ» خدا بود. این نه به این دلیل است که خدا مجبور به نجات ما بود یا اینکه او نیاز به نجات ما داشت. او این کار را نکرد وقتی ما درست، اخلاقی و خدایی نبودیم، بلکه وقتی ما وحشتناک و بی‌عشق بودیم. او این کار را «انجام داد تا، آیه ۷، «ثروت‌های بی‌اندازه فیض خود را در مهربانی نسبت به ما در مسیح عیسی نشان دهد.

نیکی و تمایل قلب خدا به ما به اندازه‌های بزرگ است که ما حتی نمی‌توانیم شروع به اندازه‌گیری آن کنیم. بزرگ‌ترین عددی که به ذهنتان می‌رسد چیست؟ حالا آن را به خودش تکرار کنید و دوباره و دوباره و دوباره ضرب کنید، و هنوز هم نمی‌توانید به اندازه‌ی مهربانی خدا به شما نزدیک شوید. آیا باور دارید؟ شما مرده بودید. شما زنده هستید. به دلیل فیض خدا.

چگونه به مهربانی خدا پاسخ می‌دهیم؟ چگونه پس از آیه ۱:۱۳ زندگی می‌کنیم؟ بله، ما باید به خدا اعتماد کنیم و ایمان خود را به او بگذاریم. اما حتی ایمانی که داریم نیز از خدا به ما داده شده است. این باید به این شکل باشد، زیرا افراد روحانی مرده نمی‌توانند هیچ چیزی شبیه به ایمان زنده تولید کنند، آیه‌های ۸-۹: «زیرا به فیض نجات» یافته‌اید از طریق ایمان. و این کار شما نیست؛ این هدیه خدا است، نتیجه کارها نیست، تا هیچ کس فخر نکند.

خود ایمان نیز هدیه‌ای از خداست و ما هیچ کاری نمی‌کنیم، هیچ چیزی برای فخر کردن نداریم. ما هیچ کمکی به نجات خود نکردیم. و سپس، وقتی که ایمان خود را بیان می‌کنیم، همچنان هیچ کاری نمی‌کنیم، زیرا ایمان به اعتماد به کسی یا چیز دیگری داریم.

ما همه ایم که ایمان خود را در صندلی‌هایی که بر روی آن‌ها نشسته‌ایم قرار می‌دهیم. وقتی نشستیم، ایمان خود را در صندلی‌هایمان نشان دادیم. اما چه کاری می‌کنیم تا از زمین نیفتیم؟ هیچ کاری. صندلی همه کار را انجام می‌دهد. به همین ترتیب، ایمان به خدا می‌گوید: «پروردگار، من هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم. تو باید همه چیز را انجام دهی. و من به تو اعتماد دارم.» همانطور که ترنم می‌گوید: «هیچ چیزی در دست من نیست؛ من فقط به صلیب تو متکی هستم.» و بعد، در زندگی جدید خود که به دنبال پیروی از خدا و خدمت به او هستیم، همچنان به طور کامل به خدا وابسته هستیم. همیشه صفر داریم که باهوش فخر کنیم. به آیه 10 نگاه کنید: «زیرا ما آثار او هستیم، در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم برای کارهای نیکو که خدا پیش از آنها آماده کرده است تا در آنها قدم بگذاریم.» همه چیزی که پس از نجات انجام می‌دهیم، به این دلیل است که ما خدایی هستیم - «آثار او هستیم، در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم.» او ما را آفریده است. همه چیزی که قبل از نجات برای نجات نیاز داریم، هدیه فیض خداست. ما برای آن کاری نکردیم. همه چیزی که پس از نجات برای زندگی به خدا نیاز داریم، کار آفرینی خداست. او ما را آفریده است. او مالک ماست. ما خودمان را آفریده نکرده‌ایم. ما کاملاً مردم جدید او هستیم. این فقط یک ترتیب مجدد یا تغییر شکل تیم دیویس نیست، بلکه یک تیم دیویس کاملاً جدید است. و تو هم کاملاً تویی. و با هم ما یک انسانیت کاملاً جدید را تشکیل می‌دهیم.

به آنچه در مورد بدن کلیسا، ما همه با هم، گفته شده است نگاه کنید: «خود را از خود قدیمی که به زندگی قدیمی شما تعلق دارد و از طریق خواسته‌های فریبده فاسد است، دور کنید و در روح خود تجدید شوید و خود را به صورت جدید، بر اساس شباهت خدا، در عدالت و قداست واقعی بپوشید.» و همچنین، آیه 10 می‌فرماید: «در مسیح عیسی برای کارهای نیکو آفریده شده‌ایم که خدا پیش از آنها آماده کرده است تا در آنها قدم بگذاریم.» تمام کارهای نیکوی ما از خدا نشأت می‌گیرد. ما نیستیم که آنها را آغاز کنیم. خدا برای ما برنامه‌ریزی کرده و ما را برای قدم زدن در آنها آماده کرده است. تأثیر این بر هر یک از ما است. با ژنتیک‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها، خانواده‌ها، تاریخ‌ها و تجارب متفاوت ما - خدا در هر یک از ما به روش جدید خود ... روش‌های تفکر، احساس، عمل و زندگی‌اش آفریده است. ما همه، در مسیح، داشتن تمایلات و انگیزه‌های جدیدی داریم که خود را در راه‌های نیکو و الهی نشان می‌دهد. و خدا این را برنامه‌ریزی کرده است. پس، وقتی که در طول این هفته به زندگی‌های خود برویم و کارهای نیکو انجام دهیم و در راه‌های درست و محبت‌آمیز و مهربانی زندگی کنیم، این به این دلیل است که خدا ما را برای این لحظات در این هفته آماده کرده است. او برنامه‌ریزی کرده و این خداست که جلال می‌برد. احساس عمیقی که «زندگی من از خداست. تو مرده بودی. تو زنده‌ای. پس به عنوان شخص جدیدی که خدا او را آفریده است، زندگی کن.

فریبی‌ای فوق‌العاده چه شیرین است که یک گناهکار مانند من را نجات داد من یک زمان گم شده بودم، اما حالا پیدا شده‌ام. کور بودم، اما حالا می‌بینم و فیض مرا به خانه خواهد رساند.